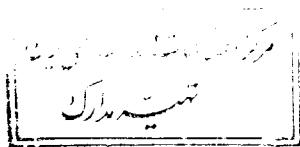


۱۳۷۵ / ۴ / ۲۰



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

مسیونرهای مذهبی در ایران
(دوره اول قاجاریه)

استاد راهنما:

دکتر رضا شعبانی

استاد مشاور:

دکتر علی بیگدلی

نگارش:

بهنام صدری

بهمن ماه ۱۳۷۴

۷۵,۴,۲۰۰

۴۹۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم
 صلوات الله على من لا نبي بعده
 بعد از آنکه در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و دقیق به بررسی و تحلیل فعالیت‌های مسیونری در غرب بپردازد.
 این کتاب در ۱۸ فصل و ۶۴۰ صفحه تنظیم شده است.
 به امید آنکه این کتاب مورد توجه و استقبال شما قرار گیرد.
 آرزای خیر و برکت
 ۱۸ شهریور ۱۳۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱۰.....	بررسی و نقد منابع
	بخش مقدماتی: کلیات
۱۷.....	فصل اول: فعالیتهای مسیونری در غرب
۱۸.....	اصطلاح مسیونر
۲۰.....	تاریخچه فعالیتهای مسیونری
۲۸.....	تشکیلات مسیونری
۳۱.....	فعالیتهای مسیونری و شرق شناسی
۳۴.....	فعالیتهای مسیونری و استعمار
۳۸.....	فصل دوم: مسیونرها و جهان اسلام
۳۹.....	نگاهی به مناسبات مسیحیان و مسلمانان
۴۲.....	نگرش غربیان نسبت به اسلام
۴۷.....	علل و زمینه های رویکرد مسیونرها به سرزمینهای اسلامی
	بخش اول: مسیونرها و ایران
۵۳.....	فصل اول: نگاهی به فعالیتهای مسیونری در ایران قبل از دوره قاجار
۵۴.....	دوره مغول
۵۸.....	دوره صفویه

۶۵.....	فصل دوم: اوضاع ایران در دوره اول قاجاریه
۷۸.....	فصل سوم: زمینه های مساعد فعالیت های میسیونری در ایران دوره اول قاجاریه
	بخش دوم: میسیونرها در ایران دوره اول قاجاریه
۹۴.....	فصل اول: میسیونرهای آمریکایی
۱۰۷.....	فصل دوم: میسیونرهای انگلیسی
۱۲۰.....	فصل سوم: میسیونرهای فرانسوی
۱۳۰.....	فصل چهارم: میسیونرهای آلمانی
	بخش سوم: شیوه تبلیغ و انواع فعالیت های میسیونرها در ایران دوره اول قاجاریه
۱۳۹.....	فصل اول: ویژگی های فعالیت ها و کانون های مورد توجه میسیونرها
۱۵۸.....	فصل دوم: انواع فعالیت های میسیونرها
۱۵۸.....	فعالیت های آموزشی فرهنگی
۱۵۸.....	ایجاد مدارس و آموزشگاهها
۱۶۳.....	ترجمه و انتشار کتاب و روزنامه
۱۶۷.....	فعالیت های پزشکی
۱۷۱.....	فعالیت های مذهبی
۱۷۳.....	ردیه نویسی بر ضد اسلام
۱۸۲.....	فصل سوم: بازتاب و نتایج فعالیت میسیونرها
۱۹۵.....	فهرست منابع و مآخذ



مسئله تبلیغ و اعزام مبلغ در واقع عمری همپایه مذاهب جهان دارد. پیروان هر یک از ادیان و مذاهب دین خود را دین حقیقی و بر حق دانسته و ادیان دیگر را باطل و یا منسوخ پنداشته‌اند. یکی از وسایل مهم تغییر عقاید و اندیشه‌ها در طول تاریخ تبلیغ بوده است که هر یک از ادیان و مذاهب نیز از این وسیله جهت گسترش حوزه نفوذ و افزایش تعداد پیروان خویش استفاده کرده‌اند و این امر در ادیان و مذاهبی که داعیه جهان شمولی داشته‌اند بویژه سابقه و نمود بیشتری داشته است.

اما فعالترین جنبش تبلیغی در میان ادیان و مذاهب دنیا مربوط به مسیحیت است. به جرات می‌توان گفت در میان هیچیک از ادیان و مذاهب، فعالیت‌های تبلیغی و اعزام مبلغ به گستردگی دین مسیحیت نبوده است. این جریان بویژه با انحصار اندیشی مسیحیت کلیسایی که تنها راه رستگاری انسان را از طریق مسیحیت می‌دانست، اهمیت بیشتری یافت. لذا در این دین فعالیت‌های تبلیغی به شکلی بسیار منسجم و با برنامه‌ریزی‌های دقیق و سرمایه‌گذاریها هنگفت همراه بود و دارای چنان تشکیلات عریض و طولی شد که دانشگاه‌های معتبر اروپا و آمریکا دارای کالج‌های تعلیم و تربیت مبلغ مذهبی بودند.

فعالیت‌های تبلیغی در جهان مسیحیت، بویژه مسیحیت اروپایی و آمریکایی، در راستای گسترش این دین، تحت عنوان فعالیت‌های میسیونری شناخته شده است، اصطلاح Mission و Missionary از فعل لاتین Mitttere به معنی «فرستادن» و «ماموریت» مشتق شده و اشاره به فرستادن کسی برای ابلاغ پیامی، دارد. بنابراین فعالیت‌های سازمان یافته در جهان مسیحیت برای تبلیغ مسیحیت، تحت عنوان فعالیت‌های میسیونری شناخته شده است و تحت همین عنوان بود که مبلغینی نیز برای تبلیغ مسیحیت به ایران فرستاده شدند.

با توجه به اهمیت خاصی که ایران از نظر میسیونرها داشته است و با توجه به تأثیرات و واکنش‌های متفاوتی که فعالیت این افراد در ایران به جا گذاشته است، بر آن شلیم که فعالیت‌های میسیونرها در مقطعی از تاریخ ایران (دوره اول قاجاریه)، که پس از مدتها وقفه در

فعالیت‌هایشان (که به زمان صفویه برمی‌گردد)، دوباره اعزام آنها به ایران افزایش و گسترش می‌یابد، را مورد بررسی قرار دهیم. اهمیت و نقش میسیونرها از نظر کشورهای اعزام کننده‌شان نیز چنان است که امروزه در دانشگاه‌های معتبر این کشورها، رشته‌ای تحت عنوان «مسیولوژی» وجود دارد و کالج‌هایی ویژه به تحقیق و مطالعه در مورد فعالیت آنان می‌پردازد. از طرف دیگر به جز معدودی مقالات و اشاره‌های پراکنده در کتب مربوط به دوره اول قاجار، هیچ تحقیق مکفی و قانع کننده در مورد فعالیت میسیونرها در این دوره وجود ندارد؛ کما اینکه اکثر مطالب منتشر شده در این باره نیز به زبانهای غیر فارسی است. بنابراین پژوهش حاضر فعالیت‌های میسیونرهای مذهبی مسیحی در دوره اول قاجار، یعنی از آغاز تحکیم سلطنت قاجاریه (سال ۱۲۰۰ ه.ق) تا مرگ محمد شاه (۱۲۶۴ ه.ق) را در بر می‌گیرد.

رساله حاضر شامل یک بخش مقدماتی و سه بخش اصلی است.

در بخش مقدماتی که خود شامل دو فصل است، نگاهی به تاریخچه و تشکیلات فعالیت‌های میسنوری در غرب می‌اندازیم. در این فصل ضمن ریشه یابی اصطلاح میسیونر و تعریف آن، مروری بر آغاز فعالیت‌های میسنوری و گسترش این فعالیتها همراه با اکتشافات جدید و توسعه دریانوردی و تمهیدات کلیسا برای گسترش دین مسیح، خواهیم داشت. در این راستا به تشکیلاتی که برای تعلیم و تربیت میسیونرها در غرب ایجاد شد و تسهیلاتی که برای جذب افراد به فعالیت‌های میسنوری در نظر گرفته می‌شد، اشاره می‌شود؛ همچنین با توجه به اینکه اعزام مبلغ به هر منطقه مستلزم شناخت تاریخ، آداب و رسوم و عقاید و مذاهب مردم آن منطقه بود و نیز از آنجا که مبلغین مؤظف به ثبت و ضبط تجربیات و شنیدهای خود از مناطقی که در آنجا به تبلیغ می‌پرداختند، بودند، رابطه فعالیت‌های میسنوری و شرق شناسی بررسی می‌شود، و از آنجا که بسیاری از فعالیت‌های میسنوری همگام با استعمار غرب بود، به این مسئله نیز اشاره می‌شود.

در فصل دوم تحت عنوان «میسیونرها و جهان اسلام» به رویکرد میسیونرها به جهان اسلام پرداخته می‌شود، از آنجا که مهمترین رقیب مسیحیت، اسلام بود، یکی از مهمترین

دغدغه‌های کلیسا نیز جهان اسلام بود و از این نظر توجه خاصی به اعزام مسیونرها در میان مسلمانان داشتند. در واقع دشمنی شرق و غرب با ظهور اسلام صبغه مذهبی یافت و اعزام مسیونر به سرزمینهای اسلامی را نیز می‌توان به نوعی دنباله همان جنگهای صلیبی برای از میدان به در کردن اسلام، رقیب دیرینه و اصلی مسیحیت، بشمار آورد. در این فصل نگاهی گذرا به مناسبات مسیحیان و مسلمانان که بیشتر حاکی از دشمنی و خصومت است انداخته می‌شود و همچنین نگرش غریبان نسبت به اسلام که بالتبع در دیدگاه مسیونرهای اعزامی به میان مسلمانان تاثیر داشت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسیونرهایی که متاثر از آثار غیرهمدلانه و مغرضانه‌ای بودند که در غرب انتشار می‌یافت، دین اسلام را دین جهالت، خرافات، جعلیات و مفاسد تصور می‌کردند و با چنین ذهنیتی به کشورهای اسلامی گام می‌نهادند و لذا از همان ابتدا با اسلام خصومت داشتند. در این فصل همچنین علل و زمینه‌های رویکرد مسیونرها به سرزمینهای اسلامی بررسی می‌شود؛ که در راستای انحصار اندیشی کلیسا، تبلیغات نادرست غرب درباره جهان اسلام، دشمنی و خصومت دیرینه شرق و غرب، مسیحی شدن کل اروپا، پیشرفت وسایل ارتباطی و دریانوردی و اکتشافات، آموزه‌های کلیسا در مورد یهودیان و قابل بررسی است.

در بخش اول تحت عنوان «مسیونرها و ایران»، در فصل اول به تاریخچه فعالیت‌های مسیونری در ایران پرداخته می‌شود که در این زمینه، ضمن نشان دادن اینکه این کشور در اغلب دوره‌های تاریخ خود کم و بیش مورد توجه مسیونرهای ادیان مختلف بوده دو دوره پر رونق از فعالیت‌های مسیونرها در ایران، یعنی دوره مغول و بویژه دوره صفوی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم به اوضاع ایران در آستانه ورود مبلغین یعنی اوضاع ایران در دوره اول قاجار پرداخته می‌شود و چشم‌انداز کلی اوضاع ایران در هنگام ورود مسیونرها، ارائه می‌شود.

در فصل سوم، زمینه‌های مساعد فعالیت‌های مسیونری در ایران دوره اول قاجاریه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این زمینه علاوه بر دلایل کلی که بر اساس آن ایران بعنوان یک کشور اسلامی و شرقی مورد توجه جهان مسیحیت غرب قرار می‌گیرد، دلایل دیگری نیز برای توجه

مسیونرها به ایران دوره اول قاجار وجود دارد که مربوط به اوضاع ایران و منطقه در آن برهه خاص زمانی است. در این دوره به تبع گسترش روابط ایران با اروپا و افزایش تعداد اروپائینی که به ایران سفر می‌کردند، بر تعداد میسیونرها نیز افزوده می‌شود؛ علاوه بر آن، دوره‌ای از ثبات و امنیت نسبی هم که پس از مدتها در گیری و ناامنی داخلی، با تشکیل سلسله قاجار در ایران بوجود آمد، در این مسئله نقش داشت همچنانکه در این زمان ایران از نظر سیاست بین‌المللی نیز اهمیت بسیاری یافت. از طرف دیگر علاقه‌ای که برخی رجال و شاهزادگان ایران همچون عباس میرزا برای نزدیکی به فرنگستان نشان می‌دادند و به تبع آن تسهیلات و حمایتی که برای اروپائیان در ایران ایجاد می‌کردند، موجب رویکرد میسیونرها به ایران می‌شد. حسن سابقه ایران در زمینه تسامع مذهبی نیز یکی از دلایل توجه میسیونرها به ایران بشمار می‌رفت. همچنین حضور اقلیتهای مذهبی و قومی، بویژه اقلیتهای مسیحی، زمینه مساعدی برای فعالیتهای مبلغین مسیحی در ایران بود؛ بویژه که مقامات حکومتی و مذهبی ایران حساسیت زیادی به فعالیت میسیونرها در میان غیر مسلمانان نشان نمی‌دادند. دولتهای مسیحی صاحب نفوذ در ایران نیز کاملاً از مبلغین حمایت می‌کردند.

بخش دوم با عنوان «مسیونرها در ایران دوره اول قاجاریه»، به حضور میسیونرها در ایران می‌پردازد. میسیونرهایی که در این دوره به ایران اعزام شدند عمدتاً از کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان بودند. البته میسیونرهای دیگری از سایر کشورها همچون ایتالیا و یا روسیه نیز در این زمان به ایران اعزام شدند که هم تعداد آنها بسیار محدود بوده و هم در منابع این دوران ذکری از آنها به میان نیامده است. بنابراین در فصلهای اول تا چهارم این بخش به ترتیب به جریان ورود و فعالیتهای میسیونرهای انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و آلمانی پرداخته می‌شود. با ذکر این نکته که این فعالیتهای نیز عمدتاً بعد از دروه آقامحمدخان شروع می‌شود.

در بخش سوم با عنوان «شیوه تبلیغ و انواع فعالیتهای میسیونرها»، در فصل اول به ویژگیها و اصول فعالیتهای میسیونرها و کانونهای مورد توجه آنان پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که نوع و شیوه تبلیغ میسیونرها در هر کشوری متناسب با خصوصیات و تمدن

فرهنگ و مذهب مردم آن کشور فرق می‌کرد. مبلغین مسیحی هیچگاه در ابتدای کار صحبت از تغییر مذهب نمی‌کردند و این مقصود را از طرق غیر مستقیم و پس از جلب اعتماد و احترام مردم، عنوان می‌کردند. میسیونرها سعی می‌کردند از افراد تحصیلکرده و آگاه استفاده کنند و علم را زمینه ساز راهی برای فعالیت‌های میسیونری می‌دانستند. آنها قبل از اینکه به ایران بیایند در مورد مذهب و آداب و رسوم ایران، مطالعه می‌کردند.

میسیونرهای مذهبی در ایران، فعالیت در میان زنان را در سر لوحه کار خود قرار دادند و برای این کار از میسیونرهای زن استفاده می‌کردند؛ آنها معتقد بودند که تاثیرپذیری زنان هم بیشتر بوده و هم اینکه به علت نقش اساسی آنها در خانواده و تربیت فرزندان، گستره این تاثیرپذیری نیز افزایش می‌یافت. آنها همچنین توجه ویژه‌ای به کودکان داشتند و آنان را مستعدتر از بزرگسالان برای پذیرش تعلیمات و دستورهای خود می‌دانستند.

میسیونرها معتقد بودند که در هر شهری از ایران بایستی به شیوه‌ای خاص تبلیغ کرد. سعی می‌شد مبلغینی که به ایران فرستاده می‌شوند از نظر شغلی، صنعت، فن و هنری داشته باشند تا هر گونه سوءظن ایرانیان را بر طرف کنند. میسیونرها حتی در نواحی قفقاز، بردگان و اسرای جنگی را می‌خریدند و با به خدمت گرفتن آنها، آنها را به سمت مسیحیت سوق می‌دادند.

از آنجا که مستقیم‌ترین شیوه تبلیغ میسیونرها، وعظ بود، لذا ضروری‌ترین مسئله برای میسیونرها آشنایی با زبانها و گویش‌های رایج در ایران بود، چرا که بدون دانستن زبان، یک مبلغ نه هرگز می‌توانست موفقیتی در ابلاغ پیام انجیل پیدا کند و نه می‌توانست با ارزشها و آداب و رسوم مردم آشنا شود. یکی دیگر از ویژگیهای فعالیت میسیونرها در ایران رقابت بسیار شدیدی بود که میان فرقه‌ها و گروه‌های مختلف آنان جریان داشت، بطوریکه بخش مهمی از فعالیت‌های تبلیغی مسیحی در ایران را مشاجرات و رقابت‌های میان آنان تشکیل می‌دهد.

کانون توجه مبلغان به هنگام ورود به ایران نیز عمدتاً غیر مسلمانان و اقلیتهای قومی و مذهبی بودند، چرا که از این طریق هم نتایج نسبتاً بهتری نصیبشان می‌شد و هم اینکه از

مشکلات و محدودیتها و ممنوعیتهای تبلیغ در میان مسلمانان به دور بودند. به همین دلیل است که شهرهایی مانند تبریز، ارومیه و اصفهان که دارای اقلیتهای مذهبی و قومی بودند، بیشتر از سایر شهرهای ایران مورد توجه میسیونرها بودند.

در فصل دوم به انواع فعالیتهای میسیونرها پرداخته می‌شود. میسیونرها عمدتاً از طریق برخی عوامل فرهنگ غرب، بویژه در زمینه‌های پزشکی و آموزشی خود را وارد ایران کردند، که با توجه به عقب ماندگی ایران در دوره مورد بحث در این عرصه‌ها، فعالیت در این زمینه بهترین وسیله برای تبلیغ میسیونرها بود. در این فصل فعالیتهای میسیونرها به چند دسته تقسیم و بررسی می‌شوند که عبارتند از: ۱- فعالیتهای آموزشی فرهنگی: که به ایجاد مدارس و آموزشگاهها، بویژه برای کودکان می‌پردازد؛ تقریباً کلیه میسیون‌هایی که در دوره اول قاجار به ایران آمدند، در این زمینه دست به اقداماتی زدند و مدارس متعددی ایجاد کردند و از جمله اولین مدرسه برای دختران در ایران، توسط میسیونرهای آمریکایی در ارومیه تاسیس شد. میسیونرها همچنین به تاسیس آموزشگاههای صنعتی، کشاورزی و تجاری نیز اقدام کردند. آنها به ترجمه و انتشار کتب و روزنامه نیز دست زدند و برای این کار دستگاههای چاپ از اروپا به ایران وارد کردند؛ آنان حتی انجیلیهایی به زبان ترکی، ارمنی، سریانی و عبری نیز ترجمه و چاپ کردند. میسیونرها، قدیمی‌ترین روزنامه مسیحی در ایران به نام «شعاع روشنایی» را به چاپ رساندند که از نظر تاریخ انتشار دومین روزنامه ایران بشمار می‌رود.

۲- فعالیتهای پزشکی: این گونه فعالیتها نیز جایگاه مهمی در برنامه میسیونرها داشت که در این راستا به درمان دردها و امراض مردم، تاسیس بیمارستانها، مبارزه با بیماریهای واگیر و ... پرداختند. با توجه به سبک سنتی شیوه‌های درمان، سطح پایین بهداشت عمومی و شیوع بیماریهای مختلف در ایران، فعالیتهای پزشکی میسیونرها یکی از مهمترین فعالیتهای آنان بشمار می‌رفت. آنان با استفاده از دانش پزشکی صحیح در مقایسه با شیوه‌های بومی و سنتی رایج در ایران، می‌توانستند فرصتهای مناسبی برای گرایش مردم به سمت خود ایجاد کنند. همچنین خدمات پزشکی آنها به مقامات حکومتی باعث ایجاد روابط حسنه میان حکام و میسیونرها و حمایت آنان می‌شد.

۳- فعالیت‌های مذهبی: البته کلیه فعالیت‌های به ظاهر غیر مذهبی میسیونرها نیز در اصل با اهداف مذهبی صورت می‌گرفت و از طریق این فعالیت‌ها سعی در جذب افراد به سمت مسیحیت داشتند. مبلغین در ایران دست به تاسیس کلیساها و صومعه‌های متعددی زدند و از طریق وعظ مستقیماً دین مسیح را تبلیغ می‌کردند. آنها همچنین در این راستا به بحث و جدل با مردم و علما می‌پرداختند. اما یکی از آشکارترین فعالیت‌های مذهبی میسیونرها در این زمان، ردیه‌نویسی آنها بر ضد اسلام و پیامبر اسلام بود. از جمله هنری مارتین مبلغ انگلیسی که در دوره فتحعلی شاه به ایران آمد در رساله‌هایی که نوشت پیامبری و اعجاز حضرت محمد (ص) را رد کرد؛ که در پاسخ به رسالات مارتین، کتب و رسالات متعددی از سوی علمای ایران تألیف شد که با توجه به برخی از مهمترین این نوشته‌ها، شبهات مارتین بر اسلام و پاسخ‌های داده شده به آن، بررسی شده است. از دیگر مبلغینی که در این زمان بر ضد اسلام ردیه نوشتند، کارل فاندربلغ آلمانی بود که کتابی با عنوان «میزان الحق» نوشت و در آن به اثبات مسیحیت و رد اسلام پرداخته است.

در فصل سوم که آخرین فصل رساله است به «بازتاب و نتایج فعالیت‌های میسیونرها» پرداخته می‌شود. فعالیت‌های میسیونرها در دوره مورد نظر، بازتاب‌های متفاوتی را در میان اقشار مختلف جامعه داشته است که خصوصیت مشترک این بازتاب‌ها، در واقع نشان دهنده عدم موفقیت میسیونرها در دستیابی به اهدافشان است. مردم عادی گاه تصورات عجیبی از میسیونرها داشته‌اند، آنها گمان می‌کرده‌اند که میسیونرها از داروها، جادوها و برخی دستگاه‌ها جهت تغییر مذهب استفاده می‌کنند.

برخی آداب و رفتار اروپاییان همچون شرب خمر، نگهداری سگ و... نیز در نظر ایرانیان بسیار موهن بود و موجب تحقیر و دوری از اروپاییان و همچنین میسیونرها می‌شد. بر خلاف مردم عادی، عده‌ای از اشراف با توجه به علاقه‌مندی‌شان به فرهنگ اروپایی، سعی می‌کردند با مبلغین حشر و نشر داشته باشند و اکثراً از فرزندان همین اشراف و بزرگان بودند که به مدارس میسیونری فرستاده می‌شدند. علما و روحانیون نیز سرسخت‌ترین مخالفین میسیونرها بودند.

ایرانیان همچنین دین خود را برتر می‌دانستند و برخی اصول و اعتقادات مسیحی همچون الوهیت حضرت مسیح (ع) و تثلیث، برای آنان غیر قابل هضم بود.

با توجه به اینگونه واکنشها و با توجه به محدودیتهایی که بر سر راه فعالیت مسیونرها در زمینه تبشیر در میان مسلمانان وجود داشت، اگر میزان موفقیت مسیونرها را در تعداد کسانی که در ایران مسیحی شده‌اند، در نظر بگیریم به صراحت می‌توان گفت که مسیونرها در این زمینه موفقیتی در ایران بدست نیاوردند. چرا که در کل با توجه به اصول و اندیشه‌های خلل ناپذیر اسلام، اعزام مبلغ به کشورهای مسلمان، همیشه دلسرد کننده بوده است.

تغییر مذهب یک مسلمان، دارای تبعات ناگواری برای وی بوده است، اما فعالیت مسیونرها در میان غیر مسلمانان ساکن در ایران نیز چندان با موفقیت همراه نبود. به اعتراف خود مسیونرها ایرانیان هیچ علاقه‌ای برای گرویدن به مسیحیت از خود نشان ندادند و مبلغان در انجام ماموریت خود شکست خوردند.

مبلغان آلمانی که در ابتدا با شور و شوق فراوانی به ایران آمدند، نهایتاً به این نتیجه رسیدند که کار بیشتر در ایران بی‌حاصل است و انجمن بازل که اعزام کننده مبلغین آلمانی به ایران بود، اعتراف کرد که اصولاً تبشیر در ایران یک اقدام اشتباه بود. لردکرزن می‌نویسد: اگر مقیاس کار دستگاههای مسیونری در ایران تعداد افرادی است که از اسلام برگشته‌اند باید بدون درنگ افزود که در مقایسه با خرج مبالغی هنگفت و صرف نیرو و تحمل رنج و زحمتی که شده، نتایج بکلی ناقصی داشته است.

با توجه به همین عدم موفقیت بود که سرانجام مسیونرها به این نتیجه رسیدند که نبایستی میزان موفقیت خود را بر تعداد ایرانیان مسیحی شده قرار دهند. آنها به این واقعیت پی‌بردند که اسلام تنها نیروی حاکم بر زندگی ایرانیان است و به رغم اوضاع نامساعد اقتصادی و اجتماعی ایران، مسیحیت اروپایی نمی‌تواند جامعه را متاثر سازد.

با تمام این اوصاف فعالیت مسیونرها در ایران آثار و نتایج مثبتی نیز برای این کشور در برداشته است. در زمانی که حکومت تمایلی به ساخت مدارس و بیمارستانها نداشت و یا توانایی این کار را نداشت، مسیونرها دست به احداث اینگونه موسسات زدند، هر چند

اینگونه مدارس یا بیمارستانها اغلب به دلیل ماهیت استعماری‌شان مورد انتقاد قرار می‌گرفتند. مدارس میسیونری اولین فرصت را برای آموزش گسترده زنان در ایران فراهم کردند. میسیون‌های پزشکی، پزشکی مدرن را به ایران معرفی کردند و پزشکان و پرستاران بومی تربیت کردند. شبها و ایرادهای میسیونرها به اسلام نیز موجب واکنش علما و در نتیجه غنی شدن ادبیات کلامی مسلمانان شد. آنها با یادگیری زبان فارسی، ترکی، عربی و ارمنی با فرهنگ و آداب ایرانی و سنن اسلامی آشنا شدند و تجربیات گرانبهایی کسب کردند که بعدها مورد استفاده شرق شناسان قرار گرفت.

در پایان به حکم حق شناسی، یادآوری این حقیقت را وظیفه خود می‌دانم که اگر راهنمایی و پیشنهادهای عالمانه استاد بزرگوار و دانشمند، جناب آقای دکتر رضا شعبانی، استاد محترم راهنما، نبود، تالیف این رساله ناممکن می‌شد. بدینوسیله از صرف وقت فراوانی که مبذول فرمودند و اینکه اشتباهات مرا یادآور شدند تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم. همچنین نگارنده همواره خود را از صمیم دل مدیون راهنمایی و مساعدتهای علمی و فرهنگی استاد گرامی و فاضل، جناب آقای دکتر علی بیگلری، استاد محترم مشاور می‌داند، که بدون تذکرات ایشان، این رساله هرگز به اینگونه سامان نمی‌گرفت. لازم به ذکر است سرورانی که در بالا نام بردم هیچیک در اشتباهاتی که مرتکب شده‌ام سهمی ندارند. همچنین در اینجا لازم است که از کلیه استادان محترم گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهبشتی که در طول تحصیل همواره مشوق و راهنمای اینجانب بوده‌اند و از بذل هیچگونه مساعدت و محبتی نسبت به این حقیر، فروگذار نکرده‌اند، تشکر نمایم.

بررسی و نقد منابع

در مورد منابع مربوط به «مسیونرهای مذهبی در ایران دوره قاجار»، قبل از هر چیز مراجعه به کتب اصلی و کلاسیک تاریخ این دوره ضروری می‌نمود؛ اما در مراجعه‌ای که به این دسته آثار از قبیل، تاریخ نو، مآثرالسلطانیه، ناسخ التواریخ قاجاریه، تاریخ روضه‌الصفای ناصری و ... صورت گرفت، این نیاز برآورده نشد. اینگونه آثار که بیشتر به احوال و کارهای شاهان و بزرگان سلسله قاجار پرداخته‌اند، عمدتاً به بازگو کردن وقایع سیاسی و برخوردهای نظامی می‌پردازند و به مسائل اجتماعی، اقتصادی و مذهبی کمتر توجه داشته‌اند. به تبع این نگرش در تاریخ نویسی دوره اول قاجار، در منابع کلاسیک این دوره، بندرت مطالبی درباره فعالیت‌های مسیونرهای مذهبی یافت شد، بجز اشارات مختصری از نوع آنچه در مآثرالسلطانیه در مورد هنری مارتین شده است. اما در هر حال در هرگونه پژوهشی در زمینه دوره اول قاجار، از جمله درباره مسیونرها در این دوره، مراجعه به منابع کلاسیک این دوره ضروری است. از منابع فوق‌الذکر در قسمتهای مختلف پژوهش بویژه در بخشهای مربوط به اوضاع ایران در آستانه ورود مبلغین و همچنین برخورد حکومت و جامعه نسبت به اقلیتهای مذهبی، بویژه مسیحیان ساکن ایران، که در درجه اول مورد توجه مسیونرها بوده‌اند، استفاده شده است.

اما مهمترین منابعی که در این پژوهش از آنها استفاده شده است و در واقع بیشترین اطلاعات را در خصوص مسیونرها در برداشته‌اند، سفرنامه‌های اروپاییانی است که در این مقطع به ایران سفر کرده‌اند.

فرهنگ فاخر و تمدن تابناک سرزمین کهنسال ایران باستانهای دیرپا و آئینهای انسانی متعدد، از دیر باز برای بسیاری از مردم آگاه و کنجکار جهان، جاذبه‌ای شوق‌انگیز داشته و تسهیلاتی که راههای متعدد کاروان‌رو داخلی و خطوط دریانوردی تابندره‌های خلیج فارس از یک سو، و عبور جاده ابریشم از شهرهای شمال ایران و مرتبط ساختن دریای مدیترانه با چین شرقی از سوی دیگر فراهم آورده بود، توجه جغرافی شناسان و جهانگردان و

علاقه‌مندان به سیر و سفر را به سوی خود جلب کرده است. و در گذر زمان دست تصادف یا انگیزه‌های سیاسی و مذهبی و حتی هدفهای مادی و سودجویی صرف نیز اگر پای پاره‌ای از افراد ماجراجو را به این سرزمین کشانیده، آنان در مسیر سفر آنقدر موضوع تازه دیده و مطلب بازگو کردنی شنیده‌اند که دست به نوشتن و تهیه و تدوین سیاحتنامه‌ای زده‌اند^۱ و یکی از ره‌آوردهایی که فرنگیان از سفرهای خود در ایران برای هموطنان خود برده‌اند همین سفرنامه‌ها بوده‌است.

لرکرزن در مقدمه کتاب خود «ایران و قضیه ایران» فهرستی از ۲۶۹ سیاح را که تا سال ۱۸۹۵ به ایران سفر کرده‌اند آورده است که این فهرست نیز کامل نیست. سیاحان خارجی که درباره ایران کتاب نوشته‌اند را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد. یک گروه کسانی که به سابقه ذوق و علاقه و اشتیاق کنجکاوانه خود دست به سفر زده و آنچه دیده و برداشت کرده‌اند نوشته‌اند و گروه دیگر ماموران دولتی کشورهای اروپایی که اطلاعاتی جهت دولت خود گردآوری کرده‌اند. در هر حال آثار آنان از نظر توجهی که به مسائل اجتماعی، مذهبی و فرهنگی داشته‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در آغاز دوره قاجار که مقارن با گسترش روابط ایران با اروپا بود و همچنین از آنجا که پس از مدتها جنگ و درگیری داخلی در ایران، این کشور تحت حاکمیت یک دولت واحد و مقتدر قرار گرفت، به مرور با باز شدن پای هیئتهای مذهبی بیشتر از فرق و دسته‌های مختلف و آغاز رقابتهای سیاسی دولتهای قدرتمند و گسیل سفیر به ایران و روی آوردن باستان شناسان و زمین شناسان و سایر هیئتهای علمی، بطور روز افزون بر تعداد این مسافران افزوده شد و به نسبت تعداد سفرنامه‌های مربوط به ایران نیز افزایش یافت.

اگرچه این افراد از آگاهی و درک بسنده‌ای نسبت به جامعه ایران برخوردار نبودند و حتی نوشته های آنان خالی از یکسونگری، غرض و سوء تعبیر نیست، اما از آنجا که کلیه

۱- علی‌اصغر سعیدی، «سفرنامه‌ها و سخنی در باب ترجمه آنها»، کتابنمای ایران، گردآورنده چنگیز پهلوان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۶)، ص ۱۰۸.

جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی ایران از نظر آنان جالب توجه بوده، برخلاف تاریخ نویسی این زمان ایران که به این جنبه‌ها توجه نداشته‌اند، مسائلی اینگونه را در سفرنامه‌های خود بازتاب داده‌اند که یکی از این مسایل حضور میسیونرهای مذهبی در ایران بوده است، از طرف دیگر چون این میسیونرها عمدتاً اروپایی بوده‌اند، بعنوان یک اروپایی نیز مورد توجه سفرنامه نویسان که آنها نیز اکثراً اروپایی بوده‌اند، قرار می‌گرفتند.

همچنین اصولاً نگارش برخی از سفرنامه‌ها در راستای فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری میسیونرها بوده است، بدین ترتیب که برخی از این سفرنامه‌ها، با توجه به اینکه در مورد زندگی، مذهب، عقاید و آداب و رسوم ایرانیان دارای اطلاعات مفصلی بودند، به قصد استفاده میسیونرها و آشنایی آنان نوشته می‌شد، که با پیش زمینه و آگاهی بیشتری فعالیت در میان ایرانیان پردازند. علاوه بر آن برخی سفرنامه‌ها نیز مستقیماً توسط خود میسیونرهایی که در ایران فعالیت داشته‌اند، نوشته شده، که اینگونه آثار بویژه دارای اطلاعات بسیاری درباره فعالیت میسیونرها در ایران هستند. از این نمونه آثار می‌توان از کتاب «بیست سال در ایران» نوشته جان ویشارد، یاد کرد که نامبرده خود بعنوان پزشک جزء هیئت میسیونرهای آمریکایی، نزدیک به بیست سال در ایران فعالیت کرد و در کتاب خود اطلاعات بسیاری بویژه در مورد فعالیت‌های پزشکی میسیونرهای آمریکایی در ایران، آورده است.

یکی دیگر از اینگونه آثار، کتاب *Persian Life and Customs*، نوشته ویلسون است که وی نیز بعنوان میسیونر آمریکایی در ایران فعالیت داشت و در کتاب خود مطالب بسیاری در مورد فعالیت‌های میسیونرهای مختلف بویژه میسیونرهای پروتستان ذکر کرده است. این کتاب همچنین در خصوص واکنش و تصورات اقشار مختلف جامعه ایران بویژه مردم عادی، نسبت به فعالیت‌های میسیونرها دارای مطالب جالب توجهی است.

از دیگر سفرنامه‌هایی که در رساله حاضر از آنها استفاده شده، همچنین سفرنامه اولیویه است که مربوط به دوره آقامحمدخان قاجار است که نویسنده آن از طرف دولت فرانسه برای مأموریتی سیاسی به ایران آمد. ظاهراً نامبرده تنها اروپایی است که در زمان آقامحمدخان به ایران سفر کرده و یادداشتی از خود به جا گذاشته که چاپ شده باشد. نویسنده به زندگی مردم

و اوضاع کشور بسیار توجه داشته است و لذا کتابش حاوی اطلاعات دقیق و ذیقیمتی از اوضاع سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی آن عصر است، که در لابلای آن، اشاراتی نیز به موارد معدودی از فعالیت میسیونرها در دوره آقامحمدخان شده است.

همچنین در این دوران مأموریتی به ستوان هنری پاتینجر و سروان کریستی از افسران نیروی انگلیس در هندوستان داده می‌شود که از راه خشکی وضعیت طبیعی، اقتصادی، نظامی و راههای سوق الجیشی مناطق بلوچستان و جنوب شرقی ایران را بررسی کرده و ارزش اردوکنشی را در این نواحی تعیین نمایند، که ستوان پاتینجر شرح ماموریت خود را در سفرنامه‌ای تحت عنوان «مسافرت سند و بلوچستان» به رشته تحریر در آورده است و در آن اطلاعات مبسوطی راجع به منطقه و قبایل و اوضاع ایران در دوره فتحعلی شاه گردآورده. «سفرنامه بارنز» نیز از همین‌گونه است که وی نیز برای ماموریتی از طرف دولت انگلیس به ایران آمد. این افراد در مسیر سفر خود در ایران هر جا که به میسیونرهای مذهبی برخورد کرده‌اند فعالیت‌های آنها را ذکر کرده‌اند. «یادداشت‌های ژنرال تره زل در سفر به ایران» نیز قابل توجه است بویژه که همراه هیئت گاردان که تره زل نیز جزء آن بوده است، دو مبلغ فرانسوی به ایران آمدند.

گاسپار درویل فرانسوی نیز که در دوره فتحعلی شاه به ایران سفر کرد، در شرح توصیف آداب و رسوم و وضعیت جغرافیایی و اقتصادی ایران، به وضعیت تبلیغ میسیونرها و تصور مردم نسبت به مسیحیان می‌پردازد. همچنین سفرنامه کنت دوسرسی، که نامبرده اصلاً یکی از اهداف ماموریتش در ایران، در دوره محمدشاه، رسیدگی به وضع مسیحیان ساکن ایران بویژه کاتولیکها بود، وی در سفرنامه‌اش ضمن توجه به وضعیت این مسیحیان، به فعالیت‌های میسیونرهای مختلف در میان آنها و همچنین تلاش‌های خود جهت بهبود وضعیت این اقلیتها، اشاره کرده است.

اوزن فلاندن نیز که همراه هیئت کنت دوسرسی بوده، در سفرنامه خود، به فعالیت‌های میسیونرهای مذهبی، بویژه میسیونرهای فرانسوی توجه خاص داشته و فعالیت‌های اوزن‌بوره، یکی از میسیونرهای فرانسوی، را مفصلاً مطرح کرده است. هنری لایارد نیز در سفرنامه خود

تحت عنوان «سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران» که در زمان محمدشاه به ایران آمد، جابه‌جا به فعالیت میسیونرهای مذهبی در ایران، بویژه رقابتهای میان میسیونرهای کشورهای مختلف اشاره کرده است. نامبرده در کتاب دیگری تحت عنوان **Neineveh and Its Remains**، به فعالیت میسیونرها در میان نسطوریان، که یکی از اقلیتهای مورد توجه میسیونرها بوده‌اند، اشاره کرده است.

اما یکی از مهمترین کتبی که در رساله حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، کتاب «ایران و قضیه ایران» لردکرزن است، کتاب کرزن که در حقیقت راهنمایی برای نفوذ بیشتر دولت انگلیس و هشدار برای جلوگیری از پیشرفت روسها در ایران است، حاوی اطلاعات با ارزش و دقیقی در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران است. در این اثر همچنین اطلاعات جامع و مستندی در مورد فعالیت‌های میسنوری در ایران، تقسیم بندی این فعالیتها و تعداد و ملیت میسیونرها و همچنین واکنش مردم و دولت ایران نسبت به این فعالیتها، آمده است. کتاب همچنین حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره اقلیتهای مذهبی و قومی ساکن ایران، تعداد و شرایط زندگی آنها است، که این اطلاعات نیز از آنجا که اقلیتهای مذکور مورد توجه اصلی میسیونرها بوده‌اند، حائز اهمیت بسیار است.

یک دسته دیگر از منابع ارزشمند برای پژوهش در مورد فعالیت میسیونرها در ایران، گزارشها و اسناد و مدارکی است که از فعالیت‌های این افراد در آرشیوهای فرقه‌ها و مراکز میسنوری غرب گردآوری شده است، اینگونه مدارک با توجه به اینکه مبلغین موظف به ارسال گزارشها و یادداشتهایی از نحوه فعالیت‌های خود در مناطق اعزامی بودند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. نمونه بارزی از اینگونه گزارشها در کتاب

A chronicle of carmelites in persia گرد آمده است که عمدتاً مربوط به فعالیت میسیونرهای کارملیت در ایران عصر صفوی است و علاوه برآن، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در آن عصر را بخوبی منعکس می‌کند و یکی از منابع ارزشمند دوره صفوی است. از اینگونه گزارشها و اسناد نیز با توجه به عدم دسترسی به آنها در ایران، به واسطه کتبی که مستقیماً از آنها بهره برده‌اند، در پژوهش حاضر استفاده شده است. بعنوان

مثال در مورد فعالیتهای مبلغین آمریکایی در دوره اول قاجاریه، از پایان‌نامه دکتری یکی از دانشگاه‌های آمریکا، تألیف احمد منصوری با عنوان «In Iran 1834-1934 American Missionaries»، استفاده شده است که مستقیماً از گزارشها و مدارک دست اول مسیونرهای آمریکایی که در ایران فعالیت می‌کردند، اقتباس شده است. همچنین در مورد مسیونرهای آلمانی از مقاله «مسیونرهای آلمانی در ایران» از اندراس والدبرگر، اطلاعات ذیقیمتی بدست آمد.

از دیگر منابعی که آنها هم از جانب غربیان نوشته شده، آثاری نظیر «تاریخ مسیون آمریکا در ایران»، نوشته جان الدر است که نویسنده آن خود در دوران پهلوی رئیس مسیون پروتستان در ایران بوده است و در این کتاب به تاریخچه فعالیت مسیونرهای آمریکایی که از دوره فتحعلی شاه آغاز می‌شود، پرداخته است. همچنین آثاری که به شرح حال و زندگینامه مسیونرهای معروف پرداخته‌اند، نظیر کتاب «هنری مارتین» تألیف ورااردلی که به شرح حال و زندگی و فعالیتهای هنری مارتین، مبلغ انگلیسی در ایران پرداخته است، و یا کتاب «انگلیسی‌ها در میان ایرانیان» اثر دنیس رایت، که نویسنده، مسیونرهای انگلیسی را نیز تحت عنوان یک دسته از انگلیسی‌هایی که به میان ایرانیان آمده‌اند، مورد توجه قرار داده است.

اما یک دسته از منابع بسیار مهم در زمینه فعالیت مسیونرها در ایران دوره اول قاجار، کتب و رسالاتی است که این افراد در رد اسلام نوشته‌اند که در مقابل نیز کتب و نوشته‌های بسیاری از سوی اقلیت‌های مختلف جامعه ایران بویژه علما و روحانیون، در پاسخ آنها نگاشته شده است، از جمله رسالات هنری مارتین، مبلغ انگلیسی و کتاب «میزان الحق» فاندلر مسیونر آلمانی، که در پاسخ کتبی چون «سیف الامه» ملا احمدنراقی، «مفتاح النبوه»، حاج ملارضا همدانی و «حجة الاسلام»، ملاعلی نوری، نوشته شد. این گونه کتب علاوه بر اینکه مباحث مطرح شده و نکته‌گیریهای مسیونرها بر اسلام را نشان می‌دهد، از طرف دیگر نشانگر نمونه‌ای از واکنشهای برانگیخته شده در جامعه ایران، در مقابل فعالیتهای مسیونرها است، کم‌اینکه در کتبی که در پاسخ مسیونرها نوشته شده است، معمولاً اطلاعاتی نیز در

مورد آنها ذکر شده.

علاوه بر منابعی که ذکر شد از تحقیقات متأخرین نیز تقریباً از کلیه منابعی که در این زمینه چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی در دسترس بود، استفاده شده است، از جمله کتاب «نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب» مرحوم حائری که در بررسی رویه استعماری تمدن غرب، فعالیت‌های میسیونرهای مذهبی در ایران را در رابطه با این وجه از تمدن غرب مورد توجه قرار داده است. یا کتب مربوط به روابط ایران با کشورهای اروپایی که معمولاً به فعالیت میسیونرها در ایران اشاره کرده‌اند.

همچنین با توجه به قلت کتب جامع راجع به فعالیت میسیونرها، از مقالات متعددی که هر یک گوشه‌ای از فعالیت‌های میسیونرها را در ایران مورد توجه قرار داده‌اند، استفاده شده است.

با نگاهی به منابع مربوط به فعالیت میسیونرها در ایران، این نکته مشخص می‌شود که اکثر این منابع توسط میسیونرها و مراکز اعزام کننده آنها و یا هموطنان آنان نوشته شده است و آثار کمتری در این زمینه از سوی ایرانیان تهیه شده، از این رو بایستی با دقت از اینگونه آثار که غالباً با دیدی جانبدارانه نسبت به میسیونرها نوشته شده‌اند و با اغراق از فعالیتها و میزان موفقیت آنان صحبت کرده‌اند، استفاده کرد.